

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ مارچ ۲۰۲۱

فضای سیاسی در قری که گذشت!

۸

یکشنبه-۰۸ حمل ۱۴۰۰ - کابل:

به ادامه گذشته:

هموطنان گرامی!

هرگاه تا اینجا این سلسله راتعقیب نموده باشید، خود متوجه شده اید که خلاف برخی از ادعا های ریاکارانه و دروغین، با کمال تأسف در قری که گذشت، برای مردم افغانستان چیزی به نام آزادیها و حقوق دموکراتیک وجود نداشت. یعنی در حالی که در جریان همین قرن در تعدادی از کشور ها انقلابات عظیم پرولتری صورت گرفت و نوید ساختمان دنیای جدیدی را برای باشندگان آن سرزمین ها به ارمغان آورد و در تعدادی از کشور های دیگر جنگهای آزادیبخش آنها، حد اقل فضای سیاسی دموکراتیک در حد نیم بند آن را به وجود آورد، در کشور ما علی رغم آغاز پرشکوه آن با شکستادن زنجیر های اسارت انگلیس و بعد ها پیروزی نظامی در نبرد آزادیخواهانه ضد سوسیال امپریالیسم شوروی، از لحاظ فضای سیاسی هر روزی که گذشت و می گذرد، فرسنگها از رسیدن به حقوق و آزادیهای دموکراتیک فاصله ما زیاد تر شده و می شود.

آنچه در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته و می گیرد، تأثیر متقابل این فضای سیاسی بسته و ضد دموکراتیک بر خانواده ها به ویژه تربیت نسلهایی که در بازه زمانی صد سال اخیر پرورش یافته اند، می باشد. روی محاسبات جامعه شناسانه در جریان قرن گذشته، سه نسل زیست نموده و قسماً تا هنوز زنده اند. مسلم است که عدم موجودیت یک فضای دموکراتیک در درون جامعه، چه کسی بخواهد و چه هم نخواهد باعث تقویت مناسبات ضد دموکراتیک پدرسالارانه در درون خانواده گردیده، نه تنها نصف نفوس جامعه یعنی زنان را از حقوق حقه شان و تمام آزادیهای که مردها در چنین مناسباتی از آنها برخوردار اند، محروم می سازد، بلکه در عمل اطفال و نوجوانان را نیز در مناسبات پدر سالارانه، ضد دموکراتیک و بیگانه با ارزش های دموکراتیک پرورش می دهد.

طفلی که در درون خانواده به جز خوردن، لباس داشتن و در زیر سقف خوابیدن اساساً فاقد تمام حقوق و آزادیهای است که یک طفل می باید داشته باشد و حتا روشنفکران و چیز فهمان جامعه، به زعم خودشان با "تربیت سالم" شان، تمام آزادیهای کودک شان را می ربایند و ایده آل چنین خانواده های آن است که کودک شان به مانند یک "ربا" به وقت

غذا بخورد، به مانند بزرگسالان نشسته حتا پایش را دراز نکند، بازی های کودکانه و شادی را که به مقتضای سن و سالش باید بکند، انجام ندهد تا والدینش "به خاطر شوخ بودن کودک" خجالت نکشند، همان حرفهائی را طوطی وار نشخوار نماید که بزرگسالان را خوش آید، به خاطر سربلندی و افاده فروشی والدین، بدون آن که بداند چه می خواند از سه سالگی ضمن فرا گرفتن پنج بنای مسلمانی یکی دو سوره را نیز حفظ نماید، به وقتش بخوابد و با صدای پدر و یا مادر از خواب برخیزد و از خود حتا اراده خوابیدن و بیدار شدن را نیز نداشته باشد، مسلم است چنین طفلی وقتی پای به درون جامعه می گذارد و در آنجا هم جای روابط ضد دموکراتیک پدرسالارانه را روابط حاکمانه معلم و شاگرد گرفته، معلمی که دیروز خودش قربانی همین مناسبات فرتوت بود، اینک در موضع حاکم قرار گرفته، بدون کمترین توجهی به حقوق طبیعی مبتنی بر تقاضای سنی کودکی که شاگردش شده، حیثیت قومندان امنیه در یک شهر خاطیان و گنهکاران را می خواهد بازی نموده، نمی خواهد هیچ گاهی جلو روی شاگرد و یا با شاگرد بخندد تا نکند اتوریتته و انضباطش از بین برود و همین روند الی ختم تحصیل، کودک و نوجوان را هم در خانواده و هم در جامعه همراهی می کند، از چنین کودک و نوجوانی چه انتظاری می توان داشت؟

این که چنین کودک و نوجوانی به حقوق دموکراتیک خود و سایر مردم آشنا و متعهد ماند، به آن عشق بورزد و از آن به قیمت جان خود حفاظت نماید، توقعیست بیشتر از احمقانه!

از همین روست وقتی در جریان قرنی که گذشت دقت می نمایم در همه جا، شهر و روستا، روشنفکر و عامی، زن و مرد، یک خط و یک ویژگی مشترک می یابیم، آن ویژگی و آن خط مشترک چیزی نیست به جز استبداد رأی و عدم مراعات حقوق دموکراتیک خود و دیگران.

هموطنان گرامی!

آنچه را در همین بخش نگاشتم لطف نموده در خانه و خانواده خودت، در مناسبات با والدین، همسر و کودکان، در مناسبات با برادران و خواهران کوچکتر و بزرگتر از خودت، در مناسبات با همسایه های دارا و نادارت، به دقت در ذهنت خطور بده، آن وقت متوجه خواهی شد که نبود فضای دموکراتیک سالم در جامعه، چگونه تاروپود روابط خانوادگی ما را نیز تخریب نموده است.

هموطنان گرامی!

این را بدانید تا زمانی که استعمار و ارتجاع در کشور ما همه چیز من جمله فضای سیاسی کشور را تعیین می دارند، نه تنها در جامعه تغییرات مثبتی رخ نخواهد داد بلکه کودکان و فرزندان خانواده های ما در مرداب و باتلاقی که آنها برای آینده پیش بینی و تدارک دیده اند، فرو خواهند رفت. از همین رو:

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشاتده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!